

گزارشی از عملکردها

کاری که روی ارابه افتاد اول مو به مو جلو می‌رود و در ادامه کوه به کوه پیش خواهد رفت.

گزارش‌دهی و شرح عملکرد مسئولین برای اطلاع ملت پدیده‌ای ممدوح است. به یاد داریم در پایان

سال ۱۳۸۲ که انتخابات مجلس هفتم انجام شد وضعیت خدمات اشتغال و توسعه در شهرضا، دهقان و منظریه و روستا چگونه بود. امروز هم قابل ملاحظه است و آنچه شده به وضوح ملموس است.

یادم هست روز جمعه ۸۴/۶/۴ در پایان نماز جمعه که به امامت حاج آقا سیفا... یعقوبی برگزار شد

جوانی پیش من آمد و گفت: «یک رأی من به شما داده‌ام، حرامتان باشد»؛ پرسیدم: چرا؟ جواب داد: «کاری

برای شهرضا نکردید!». شمه‌ای از عملکرد را برایشان برشماری کردم، نمی‌دانم آن جوان راضی شد یا نه؟! در

همان ایام دوستی از بزرگان گله‌های یکی از رفقا را برای من توضیح داد و نامه‌ای که آن دوست نوشته بود

ارائه کرد، در آن نامه هم حرفهایی مثل حرف آن جوان نوشته شده بود. امروز نزدیک ۵ سال از آن تاریخ

گذشته است و وقتی دفتر خاطرات آنچه شده است ورق می‌زنم بیش از پیش به این جمله اعتماد می‌کنم که

گفته‌اند: «کاری که روی ارابه افتاد اول مو به مو جلو می‌رود و در ادامه کوه به کوه به پیش خواهد رفت.»

همیشه دلم می‌خواست روستائیان ما راحت‌تر زندگی کنند. در قول و قرارهای ما برای مجلس ششم

و مجلس هفتم بحث می‌شد که گازرسانی به روستاها و شهر منظریه را انجام بدهیم. با آغاز به کار مجلس

هفتم پیگیری‌ها برای عملی کردن این قرارها شروع شد. آقای انصاری شهردار منظریه هم جدی پیگیر بود.

آقای سلیمانی زاده رئیس شورای منظریه هم حقیقتاً موضوع را تعقیب می‌کرد.

اولین جلسه با آقای مهندس ملاکی مدیرعامل وقت شرکت ملی گاز ایران در تاریخ ۸۳/۴/۵ و

دومین جلسه ۸۳/۵/۲۶ با حضور آقای انصاری گذاشته شد؛ با وجودیکه آقای ملاکی مدیر سخت‌گیری بود و

با انضباط قول کاری را می‌داد به ما اطمینان داد که تا حدی که در توانش هست برای گازرسانی‌های ما

مساعدت کند ولذا ما پیگیری‌های کارشناسی را آغاز کردیم. مشکلات گازرسانی موسی‌آباد نهایتاً برطرف و

روز شنبه ۸۳/۷/۴ گازرسانی موسی‌آباد افتتاح شد. (جا دارد یادی از آزاده و جانباز دفاع مقدس حاج ابراهیم

یوسفیان بنمایم که با سایر اعضای کمیته گازرسانی به موسی‌آباد خیلی برای اجرای این پروژه زحمت

کشیدند.) در تاریخ ۸۳/۱۰/۱۶ آقای مهندس عراقی که قبلاً مدیرعامل شرکت ملی گاز استان اصفهان بود به ما قول داد با وجودیکه برنامه گازرسانی به شهرها برای سال ۱۳۸۴ در گروه کار تلفیق بودجه و برنامه‌ریزی شرکت گاز بسته شده است؛ چنانچه اصفهان مسئولیت اجرای آن را بر عهده بگیرد ما در برنامه قرار خواهیم داد که در ادامه پیگیری‌های آقای مهندس پایون مسئولیت آن را بر عهده گرفت و قول داد که ما انجام می‌دهیم و لذا در جلساتی که در تاریخ ۱۷ بهمن و سوم اسفند ۱۳۸۳ برگزار شد گازرسانی به منظریه به جمع‌بندی رسید و منظریه در لیست شهرهایی قرار گرفت که باید در سال ۱۳۸۴ گازرسانی آن انجام شود. تهیه نقشه‌های آن به سرعت انجام شد و نهایتاً روز دوشنبه ۱۶ خرداد ۸۴ آقای مهندس پایون مژده داد که گازرسانی به منظریه آغاز خواهد شد. فراز و نشیب‌هایی هم در مسیر بود که همه مرتفع شدند. الحاق پیگیری‌های میدانی آقای انصاری شهردار منظریه و کمک‌هایی که کرد خیلی خیلی به اجرای پروژه کمک کرد به گونه‌ای که گازرسانی به منظریه به سرعت اجرا شد و روز سه‌شنبه ۶ شهریور ۸۶ با حضور پرشور و شغف مردم، پروژه در محله خسروآباد و با گازرسانی به مسجد آن محله با حضور آقای بختیاری استاندار وقت، آقای مهندس طغیانی به بهره‌برداری رسید. در غروبی که به طور قطع برای اهالی منظریه، استاندار، آقای انصاری (شهردار) و همه بچه‌های شرکت گاز خیلی لذت‌بخش بود هیچگاه برق شادی که در چشمان مردم در آن غروب زیبا موج می‌زد فراموش نمی‌کنم.

در فصل بودجه سال ۱۳۸۳ یکروز سردار حسین دهقان نامه‌ای را به توصیه مرحوم حاج یدان... پدرشان که از یاران ما بودند به آقای مهندس زنگنه وزیر نفت (وقت) داده بود به این مضمون که روستای ما گازکشی شود. مهندس زنگنه روی نامه نوشته بود «آقای ملاکی در برنامه سال ۱۳۸۴ قرار داده شود» نامه را آقای دکتر دهقان به من داد که آن را پیگیری کنم. ۴ روز قبل از عید ۱۳۸۴ که بودجه تمام شد من نامه را با نامه‌ای که روی آن گذاشتم به آقای مهندس ملاکی مدیرعامل شرکت ملی گاز تحویل دادم و او هم نامه را به آقای امینی مدیرکل دفترش و مسئول روابط عمومی شرکت گاز ارجاع داد. آقای مهندس امینی تا ۲۹ فروردین ماه ۸۴ به علت مأموریت خارج از تهران به محل کارش نیامد ولی در دیداری که روز ۳۱ فروردین ماه ۸۴ با آقای مهندس پایون مدیرعامل شرکت گاز استان اصفهان داشتیم قول داد که گازرسانی به پوده را

عملیاتی کند و قول داد که سایر روستاهای مسیر را هم در دستور بگذارد؛ همچنین قول داد در سال ۱۳۸۴ گازرسانی به امامزاده علی اکبر و اسفه و مهیار را هم انجام بدهد. آقای مهندس پایون نتیجه مطالعات و امکان‌سنجی را در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ماه ۸۴ به تهران ارسال کرد و اجازه خواست که تهیه نقشه و اجرا را آغاز کند. روز هفدهم اردیبهشت ماه که من پیگیر شدم آقای ملاکی زیر قول خودش و دستور وزیر زد و گفت بر اساس تبصره ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۸۴ اقدام شود که در واقع نفی گازرسانی در سال ۱۳۸۴ بود. یکروز بعد یعنی ۱۸ اردیبهشت ماه مجدداً با پیگیری‌هایی که شد آقای زنگنه روی نامه دوم که سردار دهقان در جلسه دولت به او داده بود ابلاغ کرد که گازرسانی به روستاهای دهقان تا علی‌آباد جمیزه انجام شود. بچه‌های نقشه‌برداری با جدیت کار را شروع کردند و در فاصله کمتر از دو ماه تمام نقشه برداری‌ها انجام شد. من هم مرتب سرکشی و پیگیری می‌کردم. نقشه‌ها در تاریخ هشتم تیرماه ۱۳۸۴ تهیه شد و CD آن از طرف شرکت پیمانکار برای ارائه به شرکت گاز تحویل ما شد و در همه مراحل پیگیری‌ها، تعقیب میدانی برعهده حاج ابراهیم یوسفیان اینارگر زحمتکش موسی‌آباد بود. در ادامه و پیگیری برای گازرسانی به روستاهای در سال ۱۳۸۴ جلسات ما یعنی مدیران تهران و اصفهان ادامه یافت. با روی کار آمدن دولت نهم و با عنایت به مصوبات مربوط به گازرسانی در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ شرکت ملی گاز با علاقه بیشتری کارها را نسبت به دولت قبلی تعقیب می‌کرد. روز سه‌شنبه ۱۳ تیرماه ۸۵ در معیت حاج حسن نصر که از جانبازان دفاع مقدس است و مسئول وقت معاونت اداری مالی شرکت ملی گاز بود دیداری با آقای مهندس سیدحسن کسای‌زاده مدیرعامل شرکت ملی گاز داشتیم. تقاضای گازرسانی به روستاهای اسفرجان و هونجان را تحویل ایشان دادیم. ایشان سؤال کرد آیا روستاهای دیگری هم در این مسیر هست یا نه؟ که پاسخ دادیم روستاهای جاده شیراز و سمیرم هم هستند! گفت: آنها را هم به درخواست اضافه کنید! و روی تقاضای ما ابلاغ کرد که در برنامه امسال (یعنی سال ۱۳۸۵) قرار گیرد. آنقدر این کار با سرعت انجام شد که در تاریخ ۴ مرداد ماه ۱۳۸۵ مجوز معاونت خطوط و بهره‌برداری آن ابلاغ شد و پس از تهیه نقشه‌های گازرسانی هونجان و اسفرجان و نقشه کل منطقه اجرای طرح در تاریخ ۱۸ مرداد ماه ۸۵ ابلاغ شد و نقشه‌های اجرایی با پیگیری جدی تا ۲۵ مرداد ماه ۸۵ توسط مهندس امینی که مدیر عامل شرکت مجری بود کامل و از سوی مهندس

طغیانی به آقای مهندس غفاری برای اجرا ابلاغ شد و مراسم کلنگ‌زنی گازرسانی به اسفرجان در روز ۲۵ مرداد ۱۳۸۵ با حضور استاندار وقت (آقای بختیاری) و مهندس طغیانی انجام شد. همه می‌دانیم که دو منطقه هونجان و اسفرجان از سخت‌ترین محل‌ها برای گازرسانی بودند. کار گازرسانی آنها به سرعت و در عرض یک سال به پایان رسید. در همین اثنا بود که مصوبات گازرسانی روستاهای جاده سمیرم هم ابلاغ شد و به دنبال آن آقای مهندس طغیانی اشاره کرد که به دستور آقای کسایی‌زاده تلاش می‌کنیم شهرستانهای شهرضا و دهقان جزء اولین شهرستانهای سبز کشور گردند؛ بدین ترتیب با محبتی که داشت و معمول کرد نقشه‌های گازرسانی به همگین، درج و تمیشلو را هم تهیه کرد و در تابستان ۱۳۸۵ آنها را هم همراه با پروژه‌های اسفرجان و هونجان آغاز کرد و در تاریخ ۱۰ مرداد ماه ۸۵ کلنگ‌زنی‌های افتتاح گازرسانی به مهیار، اسفر، امامزاده علی‌اکبر در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۸۵ و در ادامه گازرسانی به محمودآباد جزء اولین افتتاحیه‌ها بودند که آقای پایون قول داده بودند و از زمستان ۱۳۸۶ که گازرسانی منظریه به اتمام رسید تا پایان سال ۱۳۸۸ که همه روستاهای دهقان و شهرضا گاز داده شدند برگ زرینی به افتخارات خدمتگزاران اصولگرا و عدالت‌خواه افزوده شد و دوباره به یاد این جمله افتادم که:

«کاری که روی ارابه افتاد اول مو به مو جلو می‌رود و در ادامه کوه به کوه پیش خواهد رفت.»

نمی‌دانم تاریخ شهرضا یا قمشه قدیم از کی آغاز شده است ولی تاریخ دوران معاصر را دقیقاً می‌دانیم. ما که بچه بودیم شهرضا قطب کشاورزی بود. با توسعه صنعت ماشین قطب حمل و نقل شد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی قرار شده بود قطب صنعتی بشود. در دفاع مقدس قطب مردان بی‌ادعا شد و جای پای در صنایع پیدا کرد ولی همه می‌گفتند بعد از انقلاب کاری برای شهرضا نشده است. با فراهم شدن فضا برای حضور اصولگرایان در شهر برنامه‌ای برای توسعه شهر تهیه شد. در یک ماهه اول پس از انتخابات مجلس هفتم چند جلسه با آقای مهندس هاشمی که رئیس سازمان صنایع و معادن استان بود گذاشته شد و ایشان گفت کربلایی نامی که از رزمندگان دفاع مقدس است علاقه‌مند می‌باشد که شعبه‌ای از کارخانه راک سرامیک را به استان بیاورد و در مطالعات محور شهرضا اصفهان را پسندیده است. قرار شد دیداری با او داشته باشیم. وقتی او را دیدم از بچه‌های اطلاعات نیروی زمینی سپاه در دوران جنگ بود که شبی او را که

مصدوم شیمیایی بود در حلبچه از شهادت محروم کرده بودیم. توفیقی بود، گفت: محور را پسندیده‌ایم و مصوب کرده‌ایم که کارخانه را ایجاد کنیم. ۴ فروردین ماه ۱۳۸۳ کلنگ مجتمع را زدند و با جدیت و با سرعت کارخانه را ساختند. حضور و بررسی میدانی در این محور ثابت کرد که جاده شهرضا، اصفهان در سالهای آینده توسعه استان است. تصمیم گرفتیم شهرک زنگسازان را که فقط ۹۸ هکتار زمین داشت توسعه بدهیم. وقتی مطالعه کردیم دریافتیم تا ۱۵۰۰ هکتار قابل توسعه است. یاد آقای سیدرضا عقدایی (فرماندار وقت) بخیر، تقاضای توسعه شهرک را به میزان ۱۴۰۰ هکتار به آقای استاندار وقت (آقای مهندس حسینی) نوشتیم. او تقاضا را به معاونت عمرانی که آقای مهندس عزیزا... شمس بود ارجاع داد. جلسه اختصاص زمین و کمیسیون مربوطه در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۸۴ در دفتر آقای مهندس شمس برگزار شد. در این جلسه تقاضای شهرکهای پوده و قمبوان و دهقان هم که ارسال شده بود مطرح شد. مسئولینی که از منابع طبیعی، زمین شهری و محیط زیست آمده بودند اعتراض کردند که توسعه به معنای افزایش ۱۴ برابری مساحت یک شهرک نیست، توسعه یعنی ۵۰ درصد و یا حداکثر دوبرابر کردن و از این حرفها! به طور جدی برخورد کردیم که اگر مسئولین ما در گذشته با همت بلند و چشم‌انداز اصولی شهرکها را ساخته بودند و زیرساخت‌های آن را فراهم کرده بودند ما وارث این سختی‌ها نبودیم و شما به جای اینکه ما را تشویق کنید درصدد محدود کردن ما هستید؟! نوع برخورد به گونه‌ای بود که آقای مهندس شمس جلسه را جمع کردند و بلافاصله رأی‌گیری شد و توسعه ۱۴۰۰ هکتاری شهرک زنگسازان و نام‌گذاری آن به عنوان شهرک رازی که با گرایش همه صنایع و با اولویت شیمیایی به تصویب رسید و این شد آغاز کار توسعه جنوب استان با محوریت جاده شهرضا، اصفهان. پیگیری‌های متعددی هم پس از این مصوبه انجام گرفت تا زیرساخت‌های لازم برای شهرک به تصویب رسید و یکی پس از دیگری به اجرا درآمد تا شهرک به شکل امروزی درآمد است و دارای آب، برق، گاز، جاده‌کشی و تأسیسات فاضلاب و خدماتی می‌باشد.

دومین کار بزرگی که در این شهرک انجام گرفت پیگیری احداث ایستگاه راه‌آهن در غرب شهرک بود و پیگیری احداث کارخانه واگن‌سازی کوثر بود. واگن‌سازی کوثر قبل از آن در محدوده ایستگاه راه‌آهن اصفهان بود. مدیر عامل شرکت راه‌آهن دستور داده بود که هر چه زودتر محوطه را تخلیه کنند. آقای

مهندس عطاریان که از نیروهای جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس بود، او هم محور شهرضا، اصفهان را برای ایجاد کارخانه کوثر انتخاب کرد و روز یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۸۳ کلنگ احداث واگن‌سازی کوثر با حضور نماینده یک شرکت اکرایی و استاندار و مقامات محلی زده شد. امروز و در سفر سوم هیئت دولت به استان اصفهان کارخانه به بهره‌برداری و تولید رسیده است ولی باید نوشت که در فصل پاییز و زمستان سال ۱۳۸۳ پیگیری‌های متعددی برای واگذاری زمین این کارخانه به عمل آوردیم تا نهایتاً زمین به مقدار مورد تقاضا و نیاز کارخانه واگذار شد. در تمام مراحل اداری کارها پیگیری شد و کار وقتی سخت شد که یکی از نمایندگان شهر اصفهان در دی ماه ۱۳۸۳ درصدد اشتغال این کارخانه به منطقه سگزی برآمد که با پیگیری‌های به موقع و لغو سفر مدیرعامل راه‌آهن به استان آن اقدام غیراصولی متوقف شد و نهایتاً ۱۶ دی ماه ۱۳۸۳ آقای مهندس وحیدنژاد که مدیر عامل راه‌آهن بود خبر داد که کارخانه واگن‌سازی کوثر در شهرضا می‌ماند و آمد تا کارخانه‌ای که افتتاح شد.

امروز دیگر از آن بیابان لم‌یزرع بعد از کارخانه هراب تا شهرضا خبری نیست! همه به صورت یک شهرک صنعتی بزرگ به نام رازی درآمد است که در نیمه راه تکمیل و استقرار تا ۳۰۰ واحد صنعتی و کارخانه در آن است. می‌رود تا آن وعده‌ای که به مردم داده بودیم که بیکاری در منطقه را انشاء... حل کنیم، جامه عمل بیوشاند و آینده‌ای روشن را برای شهرضا به نمایش بگذارد. شهرکهای دهاقان و پوره هم با اندکی تأخیر نسبت به رازی راه‌اندازی شدند. آنها هم امید آینده مردم دهاقان هستند.

در دل این پیگیری‌ها ظرافت‌هایی هست که چنانچه کوتاهی می‌شد کارها خیلی عقب می‌افتادند. یادم هست زمانیکه گاز به ایستگاه کارخانه راک سرامیک رسید روز سه‌شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۴ بود. تلاش کردیم تا مهندس پایون را که به فریدونشهر رفته بود پیدا کنیم و گاز را در شبکه کارخانه جاری کنیم. او را پیدا نکردیم و با هماهنگی معاون گازرسانی او پروژه به بهره‌برداری رسید. برق شادی آقای کربلایی که جاری شدن گاز را در شبکه دید می‌شد در چشمان او زمانیکه خبر را به صاحبان سهام کارخانه می‌داد، دید.

موضوع توسعه آموزش عالی در شهرضا و دهقان از آغاز فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی من در نظرم برجسته بود. در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۴ آغاز این توسعه بود. در میانه یک روز پرکار به آموزشکده خوارزمی آمدیم. آقایان مهندس فرقانی، مهندس صالح و مهندس جاوری و خواهر الهامی آنجا بودند. شرحی از گذشته تا آن روز آموزشکده‌های خوارزمی خواهران و برادران دارند. پس از یک بحث اساسی قرار شد طرح جامع آموزشکده‌ها را تهیه کنند تا همگی پیگیری کنیم تا حصول نتیجه و مباحث آموزش عالی کماکان ادامه یافت. در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۷ اولین اقدام عملی برای دانشگاه جامع شهرضا انجام گرفت. در این تاریخ جلسه‌ای در فرمانداری به ریاست آقای عقدایی برگزار شد. در این جلسه فرم هیئت مؤسس دانشگاه بررسی شد. قرار شد آقایان دکتر محمد رحیمیان، دکتر رسول کاظم‌پور، دکتر عوض حیدرپور و دکتر احمد رضا مساح (مسئول وقت دانشگاه آزاد) بعنوان اعضای هیئت علمی در هیئت مؤسس باشند. در این جلسه قرار شد حسابی هم برای آغاز کار باز کنند و یک میلیون تومان نماینده (آقای دکتر حیدرپور)، یک میلیون تومان فرمانداری و یک میلیون تومان هم شورای شهر به حساب واریز کنند که فردای همان روز اقدام شد. در ادامه جلسه‌ای در تاریخ ۸۴/۱۱/۲۹ گذاشته شد و بخاطر تغییر فرماندار، هیئت مؤسس هم تغییر کرد و آقای دکتر کاظم پور بعنوان مسئول راه‌اندازی دانشگاه معرفی شد و اقدامات مقدماتی برای راه‌اندازی و پیگیری کارها شروع شد.

جمع عظیمی بعنوان یاوران هیئت مؤسس انتخاب و برای یاری فراخوانی شدند و جلسات متعددی در این خصوص گذاشته شد. فرهنگ دوستان و دانش پژوهان بطور جدی از این حرکت پشتیبانی کردند و کمک‌های زیادی برای راه‌اندازی دانشگاه از سوی اهالی و یاران هیئت مؤسس بدست آمد.

در این مسیر از یاری همه کسانی که می‌توانستند کمک کنند هم استفاده شد. یادم هست در تاریخ ۱۳۸۵/۵/۳ با هماهنگی حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدابوالحسن نواب جلسه‌ای در دفتر آقای دکتر یوسف‌خان از اعضای هیئت مدیره بانک توسعه اسلامی در تهران گذاشته شد و ایشان قول داد چنانچه وزارت علوم و دولت تضمین کنند پشتیبانی مالی برای ساخت دانشگاه جامع شهرضا بعمل آورند. در تاریخ

۸۶/۲/۲۹ پس از چند جلسه کارشناسی موضوع را به هیئت دولت منتقل کردم و قرار شد در مصوبات سفر استانی موضوع درج و به تصویب برسد.

یادمان هست در اولین سفر استانی هیئت دولت، روز یکشنبه ۱۳۸۶/۳/۶ روز حضور آقای دکتر احمدی نژاد در منطقه ما بود. آقای احمدی نژاد ساعت ۱۰ و پانزده دقیقه به دهقان رسیدند و یکی از خواسته‌های ما در دهقان از ایشان ساخت دانشگاه پیام نور بود که در سال قبل از آن با پیگیری‌های متعددی که داشتیم راه‌اندازی شده بود. در راه‌اندازی دانشگاه پیام نور دهقان آقای زینعلی خیلی کمک کرده بود. الحمدلله آقای رئیس جمهور هم ساخت دانشگاه پیام نور را تصویب کردند و هم قول دادند که مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای دهقان ساخته شود که به پرورش نیروی انسانی ماهر بپردازد.

در همین روز بعد از دهقان آقای دکتر احمدی نژاد به شهرضا آمدند. ساعت ۱۱ و سی و پنج دقیقه به جایگاه آمدند. در این جلسه من ضمن برشماری خواسته‌های مردم بعرض رساندم که ما در شهرضا دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور داریم ولی «ایجاد دانشگاه دولتی شهرضا» خواسته اصلی ماست. در این مراسم آقای دکتر احمدی نژاد ضمن برشماری تعدادی از مصوبات برای شهرضا اعلام کردند که «وزارت علوم دانشگاه دولتی را در شهرضا تأسیس می‌کند.» در ادامه برای پیگیری کارها در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۱۲ به ریاست جمهوری رفتم. جالب بود چون مصوبه در پیش‌نویس‌ها نبود و در واقع در سخنرانی دکتر احمدی نژاد ایجاد دانشگاه را مصوب کرده بودند گروه کار مسئول در دولت ایجاد دانشگاه دولتی را زیر سؤال برده بودند و لذا مجبور شدیم نامه‌ای به آقای رئیس جمهور بنویسیم و تحویل آقای دکتر دادخواه از اعضای دولت دادیم که به رئیس جمهور برسانند. به دنبال مصوبه دولت در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۳ به دانشگاه اصفهان آمدیم و قرار شد دکتر رامشت، یک نفر از آقایان دکتر بهرامی، دکتر سیزیان و یا دکتر کریم‌زاده را به عنوان رئیس و مسئول راه‌اندازی دانشگاه شهرضا منصوب کند. و پیشنهاد هم دادیم که تلاش کنند دانشکده راه‌آهن را به شهرضا بیاورند و ما هم در تهران کمک خواهیم کرد. در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۱۸ برای پیگیری کار دانشگاه به وزارت علوم رفتیم. در این تاریخ باید نامه مصوبه زمین را از وزارت علوم می‌گرفتیم تا به استانداری اصفهان و منابع طبیعی تحویل بدهیم تا ۵۰۰ هکتار زمین برای دانشگاه در جاده شهرضا، اصفهان اختصاص بدهند.

یادم هست پیگیری اینکار و تهیه نامه‌ها از ساعت ۹ صبح تا ۲ بعد از ظهر به طول انجامید ولی موفق شدیم نامه نیاز و درخواست اختصاص زمین دانشگاه و مصوبه دولت راجع به دانشگاه را به دانشگاه اصفهان با امضای آقای دکتر زاهدی وزیر علوم بگیریم و راهی اصفهان شدیم. در این روز در حاشیه یادداشت‌هایم نوشته‌ام «روزهای سختی است و هماهنگی‌ها و کار این روزها خیلی سخت است. انصافاً ما که دوران جنگ را تجربه کرده‌ایم از این همه بوروکراسی رنج می‌بریم. چه روزهای خوبی بود روزهای جنگ که همه چیز و همه کار خیلی روان پیش می‌رفت» روز شنبه ۱۳۸۶/۴/۲۳ مجدداً به وزارت علوم رفتیم. جلسه مفصلی با آقای دکتر خالقی، دکتر برزویی و دکتر معتمد هاشمی داشتیم.

قرار شد موضوع دانشگاه شهرضا را در جلسه آن روز شورای گسترش مطرح کنند و خوشبختانه در همین روز موضوع را در جلسه شورا مطرح کردند و موافقت اصولی اولیه با ایجاد مرکز آموزش عالی دولتی شهرضا به عمل آمد. من قبلاً در راه اندازی دانشگاه امام حسین (ع) در زمان جنگ شرکت داشتم و بعدها در ایجاد و راه اندازی دانشکده علوم پزشکی و در ادامه دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله از اعضای اصلی راه اندازی بودم. ولی فکر نمی‌کردم که در این خصوص کارها اینقدر سخت پیش برود. پس از اخذ موافقت اصولی اولیه در تاریخ ۸۶/۵/۱۷ به دیدار وزیر جهاد کشاورزی آقای مهندس اسکندری رفتیم و تقاضای واگذاری ساختمان جهاد کشاورزی شهرضا را برای دانشگاه به ایشان دادم که به آقای دکتر آقایا رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان دستور دادند که ساختمان را واگذار کند که دستور را برای مسئولین پیگیری کار در شهرضا فرستادم.

از سوی دیگر پیگیری اجرایی کارها در شهرضا تعقیب شد. مسئول طرح جامع نقشه‌ها را تهیه کردند، گروه آموزش طرح کلی آموزش را تهیه کردند. و در هر مقطعی هر کجا لازم بود کارها پیگیری می‌شد تا سوم تیرماه ۱۳۸۷ که برای رفع مشکلات ایجاد شده جلسه‌ای با آقای دکتر سعیدلو گذاشتیم و قرار شد کمکی جدی بکنند مشکلات ما حل شود. به‌رحال سال ۱۳۸۷ هم به پایان رسید و در جلساتی که با مسئولین راه اندازی داشتیم قرار شد من دو کار را در تهران پیگیری کنم یکی اخذ مصوبه قطعی برای ایجاد مرکز آموزش عالی دولتی شهرضا و دوم تلاش برای اختصاص ردیف بودجه‌ای .

در سال ۱۳۸۸ تمام تلاش ما متوجه این دو مسئله شد و بهر حال کارها تعقیب شد تا دیماه . روز ۱۳۸۸/۱۰/۲۰ به وزارت علوم آمدم. چون یکشنبه بود و روز کاری مجلس بنابراین چاره ای نداشتم که مرخصی بگیرم. از ساعت ۸ صبح در وزارت علوم بودم. هدفم ایجاد ردیف بودجه ای برای دانشگاه شهرضا بود. از معاونت پارلمانی کار را شروع کردم. سپس به معاونت پشتیبانی آمدم و نهایتاً با مسئولین اعتبار و بودجه و عمرانی صحبت کردم.

نهایت گفتند از امسال برای اختصاص ردیف و اصولاً ردیف دانشگاه هایی که مستقل بوده اند مستقیماً به معاونت راهبردی و برنامه ریزی رئیس جمهور وصل کرده اند و عملاً وزارت علوم کاره ای نیست. و آنها هم اختصاص ردیف را منوط به ارائه موافقت قطعی با تاسیس دانشگاه می دانند تا ظهر در وزارت علوم کارها را پیگیری و نیاز و مصوبه را یادآوری و تقریباً نهادینه کردیم. از آنجا به معاونت راهبردی و برنامه ریزی رئیس جمهور رفتیم. آنجا هم هر گونه اقدام را منوط به ارائه موافقت قطعی وزارت علوم کردند که در کمیسیون ماده ۳۲ مطرح کردند و سپس ردیف اختصاص دهند.

قبلاً نوشته ام که یکی از مصوبات سفر سوم هیئت دولت به اصفهان اختصاص ردیف بودجه ای مستقل برای دانشگاه شهرضا بود و مصوبه سفر دوم هیئت دولت هم صدور موافقت قطعی با ایجاد دانشگاه بود که متأسفانه اگر کارها را حضوری پیگیری نکنی به هیچ نتیجه ای نمی رسد. بهر حال تصمیم گرفتم که ولو با چند روز مرخصی کار را تا نتیجه نهایی تعقیب کنم.

روز چهارشنبه ۱۳۸۸/۱۰/۲۳ مجدداً راهی وزارت علوم شدیم. با آقای دکتر نادری منش معاون آموزشی صحبت کردم. مدارکی که مربوط به ماهها و سالها پیگیری بود به ایشان دارم. و برای ایشان توضیح دادم که ما چگونه هیئت موسس، هیئت یاری رسانی و دوستانمان را جمع کردیم و چگونه امکانات و تجهیزات و منابع مورد نیاز را تامین کردیم دانشگاه اصفهان نهایتاً تقاضای ما را به تهران ارسال کرد. و توضیح دادم که برای هر مرحله کار ما که در موافقت ها جلو رفته است چقدر پیگیری کرده ایم و ایشان با مرور مدارک گفتند که ما روز شنبه ۱۳۸۸/۱۰/۲۶ موضوع دانشگاه شهرضا را برای صدور موافقت قطعی در شورای گسترش مطرح خواهیم کرد.

ظهر روز شنبه ۱۳۸۸/۱۰/۲۶ به وزارت علوم آمدم. شورای گسترش تصویب کرده بود که از امکانات ما که مدارک آنرا تحویل داده بودیم بازدید شود. همانروز در جلسه ای با آقای دکتر معتمد هاشمی که انصافاً از نیروهای خوب وزارت علوم تحقیقات و فن آوری است صحبت کردم. قرار شد هماهنگی های لازم را برای تنظیم برنامه بازدید کننده با آقای دکتر برزویی به عمل آورده و چون دکتر برزویی دانشگاه بود اینکار به روزهای بعد موکول شده روز دوشنبه ۱۳۸۸/۱۰/۲۸ آقای دکتر معتمد هاشمی خبر داد که بازدید از امکانات دانشگاه شهرضا را آقای مهندس طاهری که قبلاً استاندار تهران بودند انجام خواهند داد و روز چهارشنبه ۱۳۸۸/۱۰/۳۰ به شهرضا می آیند. روز سه شنبه بلیط برای ایشان تهیه شد و آقا جعفر بلیط را برای دفتر ایشان برد. بهر حال آقای مهندس طاهری روز چهارشنبه ۱۳۸۸/۱۰/۳۰ به شهرضا آمدند. و امکانات ما را مورد بازدید قرار دادند و گزارشی نوشتند که من در یادداشت هایم نوشته ام " فکر کنم با برنامه ریزی انجام شده جواب بازدید ایشان مثبت باشد " برنامه ریزیهای این بازدید را خیلی دقیق خودم پیگیری و انجام دادم. در ادامه وزارت علوم مدارکی خواسته بود که در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۷ بعد از پایان جلسه علنی مجلس مدارک را که جمع آوری کرده بودم به آقای دکتر برزویی (مسئول شورای گسترش) رساندم و او هم قول داد در اولین جلسه ممکن پرونده ما را در شورای گسترش مطرح نماید.

در ادامه در تاریخ ۸۸/۱۱/۱۰ دیداری با آقای دکتر خلیلیان وزیر جهاد کشاورزی داشتم که به آقای مهندس رضانیا نوشت که مسئله واگذاری ساختمان جهاد شهرضا را برای دانشگاه قطعی کند.

با پایان یافتن بهمن پیگیری ادامه یافت و پرونده دانشگاه شهرضا را در دستور کار شنبه ۱۳۸۸/۱۲/۱ شورای گسترش گذاشتند که نوبت آن نشد. مجدداً در هفته بعد از آن پیگیری کردیم و نهایتاً شورای گسترش وزارت علوم با ایجاد مرکز آموزش عالی دولتی شهرضا در تاریخ شنبه هشتم اسفند ماه ۱۳۸۸ موافقت کرد و از آن روز به بعد ما پیگیر ردیف بودجه ای شدیم.

در همین تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۸ نامه ای به آقای دکتر عزیزی معاون برنامه ریزی رئیس جمهور نوشتم که با عنایت به مصوبه و موافقت قطعی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری و بر اساس موافقت خودتان و وزیر علوم برای اختصاص ردیف مقرر نمایید که ردیف دانشگاه دولتی شهرضا که بنام شهید مدرس نام گذاری

شده است ایجاد شود. که ایشان به آقایان دکتر حسینی و دکتر ممینی مسئولین کمیسیون های ماده ۳۲ و بودجه معاونت جهت اقدام پاراف کرد ولی آنها هرگونه اقدامی را منوط به تصویب کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی کردند که با مخالفت آقای عبداللہی مسئول کمیسیون تلفیق بودجه با این استدلال که برای کارهای حوزه های انتخابیه اعضای کمیسیون تلفیق نمی شود کار اختصاصی انجام داد، فرصت طرح مسئله را به ما ندادند تا اینکه در تاریخ ۱۵ اسفند ماه ۱۳۸۸ که آخرین روز کار کمیسیون تلفیق بود پیشنهادی به کمیسیون دادیم که برای دانشگاهها، مؤسسات و مراکز آموزش عالی و پژوهشکده ها که تا تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۵ موافقت قطعی ایجاد آنها از سوی شوراهای گسترش صادر شده است ردیف بودجه ای مستقل اختصاص داده شود که همه اعضای کمیسیون تلفیق به این پیشنهاد رأی دادند. دانشگاه شهرضا هم جزء آنها محسوب میشد. فکر کنم این مصوبه ساعت ۲ و سی دقیقه بامداد روز یکشنبه ۸۸/۱۲/۱۶ به تصویب رسید. چون که آخرین جلسه کمیسیون تلفیق تا ساعت ۳ بامداد یکشنبه بطول انجامید تا لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ جمع شد. وقتی روزهای دوشنبه و سه شنبه موضوع را من برای قطعی شدن پیگیری کردم آقای دکتر کردبچه که مسئول اجرایی بودجه در معاونت راهبردی و برنامه ریزی رئیس جمهور است گفتند که باید وزارت علوم مصوبه را به ما ابلاغ کند و در آخرین ابلاغیه مصوبه ها نام مراکز آموزش عالی شهرضا درج نشده است لذا روز چهارشنبه ۱۳۸۸/۱۲/۱۹ با اخذ مرخصی از مجلس راهی وزارت علوم شدم تا مصوبه قطعی دانشگاه شهرضا را بیاورم تا ردیف آن در قانون بودجه سال ۱۳۸۹ درج شود و پایه گذاری آن انجام شود. روز سختی بود اگر خودم نمی رفتم کار انجام نمی شد. ساعت ۱۰:۰۰ به وزارت علوم رسیدم و ساعت ۱۳:۲۰ دقیقه با نتیجه راهی مجلس شدم. آقای دکتر معتمد هاشمی که دبیر شورای گسترش هم هست و به شدت تحت فشار کارهای آخر سال بود با وجود بیماری و خستگی ای که داشت کار ما را انجام داد. آقایان دکتر نادری منش معاون آموزشی وزیر و دکتر ملک فر مدیر کل دفتر وزارتی حقیقتاً کمک کردند تا نامه ما تهیه شد چرا که وزیر در سفر استانی و در بندر عباس بود و روز هم چهارشنبه آخر سال و ساعت هم یک بعد از ظهر بهر حال کارها خوب جلو رفت.

وظیفه می دانم که یادی از آقای مهندس بهرامی مسئول دفتر برنامه و بودجه و تشکیلات وزارت علوم تحقیقات و فن آوری داشته باشم. وقتی نامه دکتر نادری منش مبنی بر مصوبه قطعی دانشگاه شهرضا را آقای دکتر ملک فر مدیر کل دفتر وزارتی به آقای دکتر متکان معاون اداری مالی و مدیریت منابع وزارت خانه جهت اقدام عاجل و فوری ارجاع کرد و هماهنگی لازم را به آقای مهندس بهرامی انجام داد آقای بهرامی در حاشیه نامه ای که برای آقای دکتر کردبچه نوشته بود و اسامی دانشگاههایی که در سال ۱۳۸۹ می بایستی ردیف مستقل دریافت دارند در آن درج شده بود نوشت:

جناب آقای دکتر کردبچه، با سلام و احترام و همچنین ضمن پوزش از زحمات وارده از سوی وزارت متبوع خواهشمند است موارد ذیل در راستای مصوبه کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی ۲ ردیف ذیل را نیز به موارد قبلی اضافه فرمایند.

۱- مرکز آموزشی عالی دولتی شهرضا

۲- آموزشکده فنی کبودرآهنگ ذیل دانشگاه بوعلی همدان

که چون من عنوان کردم که ما نام این مرکز را شهید مدرس گذاشته ایم در داخل پرانتز جلوی آن شهید مدرس را هم اضافه کردند و اینگونه شد که در پایان سال ۱۳۸۸ دانشگاه شهرضا همین مصوبه قطعی پیدا کرد و هم ردیف دار شد و نام آن در قانون بودجه سال ۱۳۸۹ با ردیف مستقل آمد. امید است با پیگیری های بعدی که به عمل می آید روزی این دانشگاه در ردیف دانشگاههای برتر و بنام ایران و جهان باشد.

وظیفه می دانم که از تمامی دوستانی که در هیئت مؤسس و هیئت اجرایی از آغاز تاکنون تلاش و کمک کرده اند سپاسگزاری کنم و بخصوص از یاران و همراهانی که با بذل مال و سرمایه به ادامه این راه تا اینجا کمک کردند و عرض کنم که تا رسیدن به هف غایی راه طولانی است و کماکان نیازمندی به کمک یاران هست.

موضوع را در این مقاله با آموزشکده های خوارزمی شهرضا شروع کردیم ولی دانشگاه جامع مجالی به طرح آنها نداد. لذا در ادامه به سایر موارد مربوط به آموزش عالی منطقه خواهیم پرداخت.